

فهرست

دیاچه ۹

فصل اول: روزنه‌ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب ۱۱

ولادت ۱۲

کنیه و لقب‌ها ۱۲

مادر امام ۱۳

ازدواج امام ۱۴

فرزندان امام ۱۵

فصل دوم: ویژگی‌های اخلاقی امام سجاد علیه السلام

عبادت ۱۷

نیایش ۱۸

گذشت و بردباری ۱۹

۵۱	۷. تبیین حقوق اسلامی.....
	فصل چهارم: مبارزات سیاسی امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۵۳	عملکرد خلفا و برخوردهای سیاسی امام.....
۵۴	۱. خلافت یزید بن معاویه.....
۵۵	۲. خلافت عبدالله بن زبیر.....
۵۶	۳. خلافت معاویه بن یزید.....
۵۷	۴. خلافت مروان بن حکم.....
۵۸	۵. خلافت عبدالملک بن مروان.....
۶۰	۶. خلافت ولید بن عبدالملک.....
۶۲	گسترش قیام‌ها و موضع‌گیری امام.....
	فصل پنجم: شهادت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۶۵	جنایتی هولناک.....
۶۶	وصایای امام.....
۶۸	خاک‌سپاری امام.....

۲۱	انفاق.....
۲۲	مهربانی.....
۲۳	نیکی به بردگان.....
۲۵	ارشاد.....
۲۶	امرار معاش.....
	فصل سوم: مبارزات فرهنگی امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۹	ترسیمی از اوضاع فرهنگی جامعه.....
۳۰	۱. گسترش فساد و خوش‌گذرانی.....
۳۲	۲. زاویه گرفتن مردم با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۴	۳. رفاه‌زدگی عمومی.....
۳۶	۴. توهین به شعائر و مظاهر اسلامی.....
۳۷	۵. انحرافات فکری و عقیدتی.....
۳۹	تلاش‌های فرهنگی امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۳۹	۱. تبیین قرآن و سنت.....
۴۰	۲. مرجعیت دینی در پاسخگویی فقهی.....
۴۱	۳. تربیت شاگردان و نیروهای مستعد.....
۴۱	۴. مبارزه با عقاید انحرافی.....
۴۲	الف) مبارزه با جبرگرایان.....
۴۳	ب) مبارزه با غالیان.....
۴۴	ج) مبارزه با مشبهه.....
۴۵	د) مبارزه با صوفیان.....
۴۶	۵. مبارزه با علمای درباری.....
۵۰	۶. بسط آموزه‌های اسلامی در سنگر دعا.....

دبیاچه

شاید تاریخ شیعه، هیچ دوره‌ای را به سختی دوران امامت علی بن الحسین علیه السلام، امام سجاده علیه السلام ندیده باشد. حکمرانان اموی و مروانی، سیاه‌ترین روزهای تاریخ را در این دوره رقم زدند و جنایت‌پیشه‌ترین حاکمان، بر بلاد اسلامی تسلط یافتند. چهره‌هایی چون یزید، عبیدالله، حجاج، مُصعب، شمر، عمرِ سعد، خولی، حرمله، مروان، عبدالملک و ولید، هشام و ...

وجود این همه جانی در یک دوره‌ی سی ساله، چه روزگار سیاهی را بر امام و شیعیان ایشان که رقم نزد. از این جهت این دوره، ویژگی خاص می‌یابد. در این بین، امام سجاده علیه السلام بود که باید بار همه‌ی مصائب خود، خاندان خود، شیعه و تاریخ شیعه را به دوش می‌کشید.

امام در چنین دوره‌ای به امامت رسید. روزگار، هرگز روی خوشی به ایشان و شیعیان‌شان نشان نداد. امامت ایشان با جان‌سوزترین روز در تاریخ شیعه، عاشورا، آغاز شد؛ با زخم‌های بی‌امان بر پیکره‌ی اسلام در

فصل اول

روزنه ای به سوی آفتاب

شناسه‌ی آفتاب

نام: علی

کنیه: ابوالحسن

لقب‌های معروف: سجاد، زین العابدین، امین، زکی، سیدالمتقین، ذوالثَّنات

نام پدر و مادر: امام حسین علیه السلام، حضرت شهربانو علیها السلام

زمان و مکان ولادت: پنجم شعبان المعظم سال ۳۸ ه.ق - مدینه

زمان و مکان شهادت: دوازده محرم سال ۹۵ ه.ق - مدینه

مدت امامت: ۳۴ سال

مرقد شریف: مدینه - قبرستان بقیع

خلفای معاصر:

۱. یزید بن معاویه (۶۱-۶۴ ه.ق)

۲. عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳ ه.ق)

اثر قیام‌های گوناگون شیعیان و ظلم بی‌امان حاکمان تداوم یافت؛ و با شهادت ایشان، به پایان رسید.

عرصه‌ی زندگی و ارتباط با دیگران به قدری بر امام تنگ بود که امام، هیچ سلاحی برای مبارزه یا دفاع از خود، جز سلاح دعا نداشت. اما امام با اشک‌های طاغوت برکن خود، قیام عاشورا را احیا کرد و نگذاشت در دوره‌ای که مردم، اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را فراموش کرده بودند، آتش این مصیبت در دل‌ها، به سردی بگراید و با سلاح اشک بر سجاده‌ی دعا، رسالت خویش را در رهبری امت رسول خدا صلی الله علیه و آله تداوم بخشید. مجموعه‌ی حاضر، رهاوردی است از زندگی و ویژگی‌های اخلاقی امام و مبارزات فرهنگی و سیاسی ایشان که در پایان به رویداد شهادت آن امام همام پرداخته است. امید که درخور توجه یار سفر کرده‌ی کنعان آرزو، حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گیرد.

بمَنه و کرمه

قم المقدسه - ابوالفضل هادی منش

ذی‌قعدة ۱۴۳۴ - مهر ۹۲

Hadimanesh1@gmail.com

۳. معاویة بن یزید (۶۴هـ.ق - چند ماه)

۴. مروان بن حکم (۶۵هـ.ق - چند ماه)

۵. عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶هـ.ق)

۶. ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۴هـ.ق)

ولادت

صبح پنج‌شنبه، پنجم شعبان، سال سی و هشت هجری بود که سید ساجدان و زینت عابدان به دنیا آمد.^۱

گرچه در این تاریخ نیز مثل بقیه‌ی تاریخ ولادات و وفیات، اختلاف نظر وجود دارد و برخی از مورخان، سال ولادت آن امام همام را، سال سی و پنج، یا سی و شش و حتی سی و هفت^۲ برخوانده‌اند. اما به نظر می‌رسد، همان نظر اول، درست‌تر باشد. آن بزرگوار در زادگاه آباء و اجدادی خود، حجاز و در شهر رسول‌خدا، مدینه^۳، دیده بر این دنیای خاک‌گشود و خانه‌ی امام حسین علیه السلام با این مولود خجسته، غرق در شادی و سرور شد.

کنیه و لقب‌ها

کنیه‌ی امام سجاد علیه السلام، ابو الحسن^۴ یا ابو محمد^۵ بوده، البته کنیه‌های دیگری نیز برای ایشان ذکر شده است.^۶

۱. الاصول الکافی، ج ۲، ص ۳۶۸؛ الإرشاد، ج ۳، ص ۱۳۸؛ کشف‌الغمة فی معرفة‌الائمة، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۰۱؛ اعلام‌الوری، ص ۱۵۱.

۲. اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ تذکرة‌الخوادم، ص ۲۹.
۳. الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۰؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۲۰۱؛ اعلام‌الوری، ص ۲۵۱.

۴. اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۲۹۷؛ دلائل‌الإمامة، ص ۸۱.
۵. بحار‌الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۲۹.
۶. نک: الطبقات‌الکبری، ج ۵، ص ۱۵۷.

امام سجاد علیه السلام دارای لقب‌های برازنده و زینده‌ای چون: سجاد، زین‌العابدین، ذوالثنات، امین، زکی، سید‌المتقین، زین‌الصالحین و منارالقائتین بود.^۱ و الحق و الإنصاف که چه زیبا بر این القاب پسندیده، شهرت یافت. باید گفت این القاب نبودند که او را زینت دادند بلکه او بود که با رفتار شایسته‌ی خود، این القاب را زیور داد. چه این که عبادت، پیش از او فقط نامی در دفتر روزگار بود. او که ولادت یافت، عبادت نیز معنای دیگری یافت.

مادر امام

مردان بزرگ روزگار، مولود مادرانی بزرگ هستند. مادر حضرت، «شهر بانو دختر یزدگرد سوم پادشاه ایرانی^۲ یا لااقل دختر یکی از اشراف زادگان ایرانی و سرداران سرزمین پارس بوده است. چه این که بعید نیست برخلاف آن‌چه مشهور است، او دختر یزدگرد سوم نباشد زیرا سن و سال این آخرین پادشاه ایرانی و نیز نام دختران او که نام شهربانو در بین ایشان دیده نمی‌شود، این احتمال را ضعیف می‌کند اما در این شکی نیست که شهربانو، دختر اشراف‌زاده‌ای ایرانی بود که در جنگ اعراب مسلمان و ایرانیان، اسیر می‌شود و او را به سرزمین اسلام می‌آورند و در نتیجه‌ی داستان اسارت، او سرانجام به عقد امام حسین علیه السلام درمی‌آید.

۱. نک: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۸؛ اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ تذکرة‌الخوادم، ص ۲۹۸؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۷۳؛ الفصول‌المهمة، ص ۲۰۱؛ حلیة‌الاولیاء و طبقات‌الاصفياء، ج ۳، ص ۱۳۳؛ شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۰، ص ۷۹.

۲. اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۳۰۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۰؛ دلائل‌الإمامة، ص ۸۲.

در کیفیت این انتقال و اسارت، قیل و قال زیادی در تاریخ شده اما این حدیث شریف امیرالمؤمنین علی علیه السلام حائز اهمیت است که به امام حسین علیه السلام فرمود:

«إِحْتَفِظْ بِهَا وَ أَحْسِنِ إِلَيْهَا فَسَتَلِدُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ؛ از او (شهر بانو) خوب محافظت کن و به او نیکی نمای که به زودی او برایت [فرزندی] به دنیا می آورد که بهترین اهل زمین است»^۱

برای شهربانو نام های زیادی از قبیل: شاه زنان، سلافه، غزاله، سلامه، خوله، شهرناز، حرار، ام سلمه، فاطمه و مریم نیز در کتب تاریخ و تراجم ذکر شده است.^۲

ازدواج امام

امام سجاد علیه السلام پس از این که دوره ی نوجوانی را پشت سر گذاشت با دختر عموی خود ام عبدالله، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام ازدواج کرد.^۳

وی زنی پاکدامن، دانشمند و ادب دوست بود که دو تیره از نسل امامت، نسل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را به هم پیوند داد. او ثمره ی تربیت های الهی امام مجتبی علیه السلام و برادرزاده ی امام حسین علیه السلام بود. بدین روی می توان گفت، این ازدواج، پیوندی ممتاز و نادر است.

فرزندان امام

مشهور است که ثمره ی ازدواج امام سجاد علیه السلام با دختر عموی خود، ام عبدالله بنت الحسن علیه السلام، تنها یک فرزند بود و آن هم امام باقر علیه السلام بعید نیست که چنین ازدواجی یگانه، باید هم مولودی یگانه به دنبال داشته باشد که کسی در این فخر، با آن مولود، شریک نباشد. اما به گواهی برخی اسناد تاریخی، امام فرزندان دیگری نیز از این بانوی نمونه داشتند که عبارت بودند از:

محمد، حسن، حسین، اکبر و عبدالله.^۱

اما نام فرزندان دیگری را در شمار خانواده ایشان در دیگر منابع، از ازدواج های دیگر امام می بینیم. مثل:

زید، عمر، عبد الرحمن، حسین، اصغر، خدیجه، فاطمه، علیّه و ام کلثوم.^۲

در میان این نام ها، زید از همه نام دارتر است. او همان کسی است که سال ها بعد، علیه دستگاه فاسد خلافت دست به قیام زد. او در سال ۷۹ هـ.ق متولد شد و در سال ۱۳۲ هـ.ق در عصر خلافت هشام بن عبدالملک خلیفه ی مروانی، هم زمان با دوران امام صادق علیه السلام سر بر قیام برداشت و پس از مبارزات مسلحانه علیه حکومت، به شهادت رسید.^۳

۱. أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۴۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۳۰۵؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۱۵۶.
۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۴؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۶؛ اعلام الوری، ص ۲۹۷؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۲۸۶.
۳. نک: بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۹؛ شرح او و قیامش در جلدهای دیگر این مجموعه خواهد آمد.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹؛ اثبات الوصیة، ص ۱۴۵.
۲. بنگرید به: اعلام الوری، ص ۲۵۰؛ أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۰۲؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۱۶۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۱.
۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۸؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲۲؛ اعلام الوری، ص ۲۵۹.

عمر شریف امام

امام سجّاد علیه السلام پس از عمری مجاهدت در راه خدا و هدایت امت رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال ۹۵ ه.ق به شهادت رسید.^۱

البته برخی اسناد، سال ۲۹۴ یا ۳۹۶ یا حتی ۴۹۳ را هم ذکر کرده‌اند. ولی طبق نظر شیعه، همان سال ۹۵ درست است.

با احتساب تولد ایشان در سال ۳۷ ه.ق، سنّ شریف امام هنگام شهادت، پنجاه و هفت سال بوده است که سه سال آن در دوران امام علی علیه السلام، ده سال آن در دوران امام حسن علیه السلام، ده سال در دوران امام حسین علیه السلام و سی و چهار سال دوران امامت خود ایشان بوده است.^۵

فصل دوم ویژگی‌های اخلاقی امام سجّاد علیه السلام

عبادت

امام سجّاد علیه السلام با ذکر و عبادت، انس دیرین داشت و به زینت عبادت، آراسته بود و شب را مرکبی برای رسیدن به نعمت‌های آخرت قرار می‌داد. وقتی برای نماز، وضو می‌گرفت، صورتش زرد می‌شد. به ایشان می‌گفتند: «هنگام وضو چه چیزی بر شما عارض می‌گردد؟» امام جواب می‌داد: «می‌دانید در مقابل چه کسی می‌خواهم بایستم؟»^۱

امام در هر شبانه روز، هزار رکعت نماز می‌خواند به گونه‌ای که گویا هنگام صبح از هوش می‌رفت و نسیم، او را در حال قیام، مانند کشتزار حرکت می‌داد.^۲ هرگاه به نماز می‌ایستاد، اضطراب و جودش را فرامی‌گرفت، به اطرافیان خود می‌فرمود: «می‌خواهم در برابر

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ اعلام‌الوری، ص ۲۵۱؛ مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، ج ۳، ص ۱۶۰؛ دلائل‌الإمامة، ص ۸۰.
۲. المعارف، ص ۲۱۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۰۰؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۸.
۳. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۶۲.
۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۰.
۵. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۹؛ اعلام‌الوری، ص ۲۵۲؛ کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۲۷۶.

۱. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ عوالی‌اللالی، ج ۱، ص ۳۲۴.

۲. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۸۰.

پروردگارم بایستم و با او مناجات کنم. این اضطراب و لرزش به این سبب است».

نوشته‌اند روزی خانه‌ی او آتش گرفت در حالی که او در سجده‌ی نماز بود. مردم فریاد می‌زدند: «ای فرزند رسول خدا، آتش! آتش!» ولی او سرش را از سجده برنداشت تا آتش را خاموش سازد. به او گفتند «چه چیزی تو را از این آتش بازداشت؟» فرمود: «آتش جهنم».^۱

شبی در محراب خویش، مشغول عبادت بود. شیطان به صورت ماری بزرگ مجسم شد تا او را از عبادت با خدا بازدارد ولی امام، توجهی به او نکرد. سپس شیطان، شست پای امام را به دندان گرفت ولی امام، باز هم توجهی به او نکرد. هنگامی که نمازش تمام شد خدا حقیقت آن، را به امام نشان داد که او شیطان است. امام به او فرمود: «دور شو ای ملعون!» سپس به ادامه‌ی تعقیبات نماز خود پرداخت. در این هنگام، صدایی شنید بدون این‌که گوینده‌ی آن را ببیند که به او می‌گفت: «تو زین العابدین هستی» و این سخن را سه بار تکرار کرد و او به این لقب، مشهور گشت.^۲

نیایش

تاریخ از اشک‌ها و نیایش‌های شبانه‌ی امام، خاطره‌ها دارد. طاووس یمانی می‌گوید:

مردی را در مسجدالحرام دیدم که در زیر ناودان کعبه، نماز می‌خواند و دعا و گریه می‌کرد. وقتی نمازش را تمام کرد نزد او رفتم. او علی بن الحسین علیه السلام بود. به او گفتم: تو دارای سه خصلت هستی که تو را

از آتش ایمن می‌سازد؛ تو فرزند رسول خدایی؛ به شفاعت جدت امیدواری! و به رحمت خدایت امید داری. امام به من فرمود: ای طاووس! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بودن، مرا ایمنی نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: پس آن‌گاه که در صور دمیده شود در میان‌شان نسبت خویشاوندی وجود ندارد.^۱ اما شفاعت جدم نیز مرا ایمنی نمی‌بخشد. زیرا خداوند می‌فرماید: جز برای کسی که خدا رضایت دهد، شفاعت نمی‌کند.^۲ و رحمت خدا نیز به من ایمنی نمی‌دهد زیرا خداوند می‌فرماید: قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؛ خداوند به نیکوکاران نزدیک است. و من نمی‌دانم جزو نیکوکاران هستم یا نه».^۳

گذشت و بردباری

امام در برابر ناملایمات اطرافیان خویش، بردبار بود و هرگز به ایشان عتاب نمی‌کرد بلکه با آرامش، آنان را عفو می‌فرمود. نوشته‌اند بین او و پسر عمویش حسن بن حسن اختلافی پیش آمد. روزی حسن بن حسن نزد امام زین العابدین علیه السلام آمد، در حالی که امام، همراه یارانش در مسجد بود. سپس حسن بن حسن با سخنانش امام را آزار داد ولی امام ساکت شد تا این که حسن از مسجد بیرون رفت.

شب فرا رسید. امام به منزل حسن بن حسن رفت و در زد. حسن در را باز کرد. امام به او فرمود:

برادر! اگر در آن‌چه به من گفتی راست‌گو باشی، خداوند مرا ببخشد و اگر در آن‌چه که به من نسبت دادی دروغ‌گو باشی خداوند تو را ببخشد. درود و رحمت خدا بر تو باد.

۱. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۷۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۰؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸۰
۲. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۷۴؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۴.

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۰۱.
۲. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۲۱.
۳. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱.

سپس از آن جا رفت. حسن به دنبال او آمد در حالی که گریه می کرد. امام دلش برای او سوخت. حسن به امام گفت:

به خدا قسم دیگر کاری نمی کنم که دوست نداشته باشی». امام نیز به او فرمود: «من نیز تو را حلال کردم».^۱

امام به نقل از پیامبر اکرم ﷺ می فرمود:

به خدایی که جانم در دست اوست، قسم! دو چیز با هم جمع نشده اند که بالاتر از بردباری همراه با علم باشد.^۲

او در رفتارهای اجتماعی، بردباری را پیشه‌ی خود ساخته بود. امام بدون چشم داشت، از اشتباه دیگران می گذشت و بدین وسیله، هر روز در دل ها محبوب تر می شد. تا بدان جا که مردم مدینه، مهربان تر از او سراغ نداشتند.

روایت شده است، روزی امام از منزل خارج شد و با مردی روبه رو گردید. آن مرد، امام را دشنام داد. غلامان و دوستان امام به سوی مرد حمله کردند. امام به آن ها فرمود: «صبر کنید!» سپس به سوی مرد رفت و فرمود: «بدان که آن چه خداوند از امر ما بر تو پوشیده و به آن ناآگاه هستی بیش تر است. آیا نیازی داری که به تو کمک کنیم؟» مرد خجالت کشید.

سپس امام عبای خویش را بر دوش مرد انداخت و دستور داد هزار درهم به او بدهند. مرد با شرمساری گفت: «گواهی می دهم که تو از فرزندان پیامبران هستی».^۳

انفاق

امام سجاد علیه السلام، دل سوز نیازمندان و فرودستان بود. او بود که پس از حادثه‌ی جان سوز کربلا، بر زخم های شیعه، مرهم گذاشت. به فقیران رسیدگی نمود و بدان ها دل سوزی و مهربانی نشان داد. در آن روزگار که شیعه، دل شکسته تر و فروخورده تر از همیشه روزگار می گذراند، دست های مهربان و بخشنده‌ی او بود که طعم شیرین هم دردی را در کام تلخ ایشان می چکاند.

از دیگر مناقب امام زین العابدین علیه السلام این است که وقتی به شهادت رسید، بر مردم آشکار شد که صد خانواده از مردم مدینه، نان خور او بوده اند و او نیازمندی های شان را بر آورده می کرد.^۱

بر این مبنا، محمد بن اسحاق می گوید:

در مدینه مردمی بودند که زندگی می کردند ولی نمی دانستند که رزق و روزی آن ها از کجا می آید. وقتی که علی بن الحسین علیه السلام شهید شد آن چه را که امام شبانه برای آن ها می آورد، از دست دادند.^۲

ابو حمزه ثمالی نیز می گوید: «امام زین العابدین علیه السلام کیسه‌ی نان را شبانه به دوش می کشید و آن را صدقه می داد و می فرمود: صدقه‌ی پنهانی، خشم خدا را خاموش می سازد».^۳

نوشته اند هنگامی که امام به شهادت رسید و او را غسل دادند بر پشت او آثاری دیدند. از آن آثار سؤال کردند گفته شد: «امام کیسه های

۱. همان.

۲. الخصال، ص ۵.

۳. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۹۹؛ الامالی للمفید، ص ۱۲۸.

۱. کشف الغمّة، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۷۱؛ الامالی للمفید، ص ۱۲۸.

۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۸.

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۳؛ عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۸؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷.

آرد را شبانه بر پشت خود حمل می‌کرد تا مخفیانه به فقرای مدینه برساند.^۱

به طوری که گفته شد، مردم، دریافت صدقه‌های پنهانی را از دست ندادند تا زمانی که امام علی بن الحسین علیه السلام به شهادت رسید.

روایت شده است امام علی بن الحسین علیه السلام برای حج از مدینه خارج گشت. خواهرش سکینه، دختر امام حسین علیه السلام توشه‌ای به اندازه‌ی هزار درهم برای او تهیه کرد. وقتی که امام به منطقه‌ی حرّه رسید آن را به امام رساند ولی امام آن را بین فقرا تقسیم کرد.^۲

مهربانی

گفتنی‌ها و شنیدنی‌ها در مهربانی و مهرورزی و گذشت آن پیشوای دوسرا، بسیار است. روایت شده است گروهی نزد امام مهمان بودند. خادم او غذای بریانی را روی اجاق آماده می‌کرد. وقتی که غذا را می‌آورد سیخ‌های آهنی از دستش رها شد و بر سر یکی از کودکان امام ریخت و مُرد. امام در حالی که غلام متحیر و مضطرب بود به او فرمود: «برو که تو را آزاد کردم. زیرا تو به عمد چنین کاری نکردی». سپس امام برخاست و به غسل و کفن و دفن فرزندش پرداخت.

روایت شده روزی کنیزی، آب بر دست امام می‌ریخت ولی بر اثر خستگی، آبریز از دست او رها شد و دست امام را مجروح کرد. امام سرش را بلند کرد. کنیز گفت: «خداوند می‌فرماید: وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ؛ کسانی که خشم‌شان را فرو می‌برند». امام فرمود: «خشم را فرو می‌برم».

کنیز گفت: «خدا می‌فرماید: وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ؛ و کسانی که از مردم در می‌گذرند». امام فرمود: «از تو گذشتم». کنیز گفت: «خدا می‌فرماید: وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد».^۱

نیکی به بردگان

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان غلامان و کنیزان آن حضرت، با تمام وجود به ایشان عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده‌ی گذشت و جوان‌مردی ایشان بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «در طول ماه مبارک رمضان، علی بن الحسین علیه السلام با غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود، عفو و گذشت پیش می‌گرفت به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطایی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد.

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هر یک را با نام و مورد آن مشخص می‌فرمود. در آخر ماه، همه‌ی آنان را جمع می‌کرد و در میان آنان می‌ایستاد. آن‌گاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهات‌شان را که در طول ماه رمضان، مرتکب شده بودند، یادآور می‌شد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت، چنین تخلفی کردی ولی من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟

فرد خطا کار هم می‌گفت: بلی، ای فرزند رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود، اعتراف می‌کردند.

۱. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۱؛ مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۲۱۸؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۷.

۲. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۷۲؛ مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۲۱۹.

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۷؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۹.

آن‌گاه به آنان می‌فرمود: حالا با صدای بلند به من بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت نیز تمام اعمال و رفتار تو را نوشته و همان‌طور که تو اعمال ما را نوشته‌ای، نزد خداوند نامه‌ی اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذار نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای، به حساب آورده و تمام اعمال را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، هم‌چنان که ما اعمال خود را نزد تو، آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همان‌طور که دوست داری خداوند تو را ببخشد. ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کم‌تر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را هم‌چنان که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حساب‌گری و گواهی خدا کافی است.

پس ببخش و عفو کن تا مالک روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد. چنان که خودش در قرآن می‌فرماید: باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیمارزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.^۱

امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌کرد و آنان با هم تکرار می‌کردند و خود امام علیه السلام که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست و با لحنی ملتسمانه می‌گفت: پروردگارا! تو به ما فرمودی از ستم‌کاران به خویش درگذریم. همان‌طور که تو دستور دادی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، درگذشتیم، تو هم از ما درگذر! که در عفو کردن از ما و از تمام فرمان‌روایان، برتری.

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۲.

پس از آن، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمت‌گزاران خویش می‌فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا که فرمان‌روای بدی برای شما و بنده‌ی فرومایه‌ای برای فرمان‌روای بخشاینده‌ی عادل بوده‌ام، بخشیدید؟

همگی یک‌صد می‌گفتند: با این که ما از تو، جز خوبی ندیده‌ایم، تو را بخشیدیم. آن‌گاه به آنان می‌فرمود: پس حالا بگوئید: خداوند! از علی بن الحسین علیه السلام درگذر! همان‌طور که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان‌طور که او ما را از بردگی آزاد کرد.

آنان دعا می‌کردند و امام علیه السلام، آمین می‌گفت و در پایان می‌فرمود: بروید! من همه‌ی شما را عفو کردم و آزادتان می‌کنم به امید این که خدا نیز مرا عفو کرده و آزاد کند.^۱

روایت شده روزی امام سجاد علیه السلام دو بار غلامش را صدا زد ولی غلام، جواب امام را نداد و بار سوم او را جواب داد. امام به او فرمود: «فرزندم! آیا صدای مرا نشنیدی؟» غلام گفت: «چرا شنیدم». امام پرسید: «پس چرا جواب ندادی؟» غلام گفت: «چون خود را از این که تو مرا مجازات کنی، در امان می‌دیدم». امام فرمود: «سپاس خدای را که غلامانم، خودشان را از من در امان می‌بینند».^۲

ارشاد

امام سجاد علیه السلام همواره در اندیشه‌ی هدایت امت جدش بود. نوشته‌اند روزی امام دید که حسن بصری دانشمند منحرف برای مردم سخن

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴.

۲. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۸۷؛ اعلام‌الوری، ص ۲۶۱؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۵۶.

می‌گوید. ابتدا سخنانش را شنید سپس نزد او رفت و با اشاره‌ی دست فرمود: «اندکی ساکت بمان».

سپس به او فرمود: «ای حسن بصری! من از تو پرسشی دارم. تو که این‌گونه مردم را به قول خودت ارشاد می‌کنی، آیا سرانجام کار، از این حال که بین خود و خدا داری، راضی خواهی بود؟»

پاسخ داد: «خیر، راضی نخواهم بود» امام دوباره پرسید: «آیا در فکر تغییر و اصلاح این وضع هستی تا به وضع و حال شایسته‌ای برسی؟» حسن بصری سر به زیر انداخت و گفت: «هر بار که تصمیم می‌گیرم وضع خود را تغییر دهم، شکست می‌خورم و همیشه عهدهم در حد حرف باقی می‌ماند».

امام فرمود: «آیا امید داری پس از محمد ﷺ، پیامبری بیاید که تو سابقه‌ی آشنایی با او را داشته باشی؟» پاسخ داد: «نه!» امام دوباره پرسید: «درباره‌ی این جهان چه؟ آیا فکر می‌کنی جهانی غیر از این جهان، بیاید تا تو کار نیک در آن انجام دهی؟» پاسخ داد: «نه» امام فرمود: «اگر کسی اندکی هم عقل داشته باشد، به همین اندازه که تو راضی هستی، راضی خواهد بود. تو که تلاشی در درست کردن وضع خود نداری، پس چرا مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی؟»

حسن بصری سرش را پایین انداخت و شرمنده شد. از آن پس، هرگز کسی ندید که او مردم را پند دهد.^۱

امرار معاش

امام همواره برای زندگی خود تلاش می‌کرد و بار خود را به دوش دیگران نمی‌انداخت. نوشته‌اند مردی امام را دید. نزدیک آمد و از ایشان

پرسید: «یابن رسول‌الله! در این هوای تاریک کجا می‌روی؟» امام در پاسخش فرمود: «از خانه بیرون آمده‌ام تا برای خانواده‌ام صدقه‌ای بدهم». مرد پرسید: «چگونه می‌خواهید برای خانواده‌تان صدقه بدهید؟» امام فرمود: «هر کس برای امرار معاش خانواده‌ی خود، تلاش کند تا روزی حلالی به دست آورد، این کار و تلاش برای او در پیشگاه پروردگار، صدقه به شمار می‌آید».^۱

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۶.

۱. همان، ص ۶۷.

فصل سوم

مبارزات فرهنگی امام سجاد علیه السلام

ترسیمی از اوضاع فرهنگی جامعه

در دوران امامت امام سجاد علیه السلام، شرایط فکری و فرهنگی ویژه‌ای بر جامعه حکم فرما بود. از سویی فشارهای دستگاه حاکم بر شیعه، سبب انزوای ایشان شده بود و از سوی دیگر، به دلیل گسترش فتوحات و فتح سرزمین‌های مجاور، قومیت‌ها و نژادها با اعتقادات مختلف، به اسلام روی آورده بودند. این دو، دست به دست هم داده بود و عملاً سرزمین‌های اسلامی به مدرسه‌ای بزرگ با دانش‌آموزان زیاد بدل شده بود که معلّمی نداشت.

در واقع، امام معصوم علیه السلام که باید سرپرستی این مدرسه‌ی بزرگ را به عهده می‌گرفت در حاشیه قرار گرفته بود و مربّیانی تربیت نشده، سرپرستی این مدرسه‌ی بزرگ را بر عهده گرفته بودند. نتیجه این شد که جامعه‌ی اسلامی، به لحاظ عقیدتی و فکری، دچار چالشی بزرگ شد و